

اقتصاد سراسرآمد

دوشنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۱ - شماره ۱۴۴۴

شیلات

صادرات ۶۰ درصدی خاویار به کشورهای جهان

معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان شیلات ایران گفت: در حال حاضر ۱۷ هزار تن خاویار در کشور تولید می‌کنیم که ۶۰ درصد آن صادر می‌شود. به گزارش اقتصادسراسرآمد، آقای حسین حسینی گفت: در کشور چیزی بالغ بر یک میلیون و ۵۹ هزار تن آبی تولید می‌شود. از ۷۰۲ هزار تن، ۲۰ هزار تن آن در شمال و مابقی استان‌های جنوبی صید می‌شود. حسینی با اشاره به تولید ۵۸ هزار تن میگوی پرورشی در سال گذشته گفت: بخش اعظم میگو تولید شده در سال گذشته به بازارها صادر شده است. همچنین با توجه به افزایش مزایع زیرکشت میگو در سال ۱۴۰۱، پیش‌بینی می‌شود امسال با افزایش حداقل ۳۰ درصدی شاهد تولید ۷۵ هزار تن میگو باشیم. به گفته او، از لحاظ صید آبزیان رتبه ۲۳ را در جهان به خود اختصاص داده‌یم. حسینی این راهم گفت: همچنین کشور روسیه یکی از بازارهای جدید و بزرگ برای آبزیان ایران و میگوی پرورشی محبوب می‌شود که هر ساله شاهد افزایش صادرات آبزیان به این کشور هستیم. رئیس سازمان شیلات ایران گفت: مزایع پرورش میگوی کشور در پنج استان ساحلی کشور شامل بوشهر، هرمزگان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و گلستان قرار گرفته است. هر ساله بنا به تقاضای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی میزان مزایع زیر کشت افزایش می‌یابد. همچنین میگوی پرورشی کشورمان به بیش از ۳۰ کشور صادر می‌شود، که عمدتاً مقصد اصلی صادرات آبزیان به کشورهای جنوب شرق آسیا، کشورهای عربی و نیز کشورهای اروپایی صادر بوده است. او گفت: در حال حاضر در کشور ۱۷ تن خاویار تولید می‌شود که ۶۰ درصد آن به کشورهای مختلف جهان صادر می‌شود.

تولید ۴مکمل خوراکی جدید برای آبزیان در کشور

چهار مکمل خوراکی جدید برای بهبود رشد و سلامتی ماهی قزل‌آلا رنگین‌کمان و تاسماهای سیبری به صنعت تولید خوراک آبزیان معرفی شد. به گزارش اقتصادسراسرآمد، براساس یافته‌های پژوهشگران گروه شیلات دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، چهار مکمل خوراکی جدید برای بهبود رشد و سلامتی ماهی قزل‌آلا رنگین‌کمان و تاسماهای سیبری به صنعت تولید خوراک آبزیان معرفی شد. این تحقیقات توسط دکتر مهدی شمسایی مهرجان و دکتر سید پیمان حسینی شرکایی، با همکاری مشترک دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، شرکت چندملیتی EVONIK دگوسا (بزرگترین شرکت تولید و تحقیق در زمینه آمینواسید در جهان)، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان خوراک آبزیان کشور و مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان تهران انجام شده است. دکتر مهدی شمسایی مهرجان در رابطه با این پژوهش گفت: طی این تحقیقات، آثار چند محصول گیاهی بر رشد، بهبود ظرفیت انتی‌اکسیدانی و تقویت سیستم ایمنی ذاتی ماهی‌های آزمایشی، بررسی شد و نتایج نشان داد که استفاده از این مواد ارزان‌قیمت در جیره، می‌تواند طول دوره پرورش ماهی‌ها را بیش از ۵۰ درصد و ریسک مرگ و میر آن‌ها را در مواجهه با برخی عوامل بیماری‌زا تا حدود ۷۰ درصد کاهش دهد. وی با بیان این مطلب که دستاورد قابل توجه این نتایج برای صنعت آبی‌پروری، کاهش چشمگیر و همزمان طول‌دوره پرورش ماهی و مصرف آب است، ادامه داد: با توجه به خشکسالی‌های و بی‌پرسی‌های در سال‌های اخیر و نیاز قابل توجه صنعت آبی‌پروری به آب، استفاده از چنین مکمل‌هایی در تغذیه آبزیان می‌تواند از طریق کاهش طول دوره آبی‌پروری، هدر رفتن آب شیرین را به طور قابل ملاحظه‌ای در این صنعت کاهش دهد. به نقل از دانشگاه آزاد اسلامی، عضو هیأت علمی واحد علوم و تحقیقات افزود: این پژوهش منجر به استخراج و چاپ پنج مقاله در مجلات معتبری همچون Fish and Aquaculture and shellfish immunology شده است. به گفته وی، از ویژگی‌های بارز این پژوهش می‌توان به همکاری گسترانگ دانشگاه‌های تخصصی، دولتی و موسسات بین‌المللی و همچنین کاربردی شدن محصولات ناشی از این پژوهش‌ها توسط یکی از بزرگترین تولیدکنندگان خوراک آبزیان کشور اشاره کرد.

یک گام تا اتصال منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) به شبکه گاز

با تأمین لوله‌های شش کیلومتر پایانی پروژه گازرسانی به مجتمع بندری امام خمینی (ره) پیشرفت کلی این پروژه به ۸۳ درصد رسیده است. به گزارش اقتصادسراسرآمد، صدراعظمی بهرامی معاون بهداشتی و عمران این اداره کل با اعلام این خبر بیان داشت: با هدف ارتقاء سطح خدمات‌رسانی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) و ضرورت بر خورداری شرکت‌های فعال در این مجتمع بندری از سوخت ارزان و پاک، بندر امام خمینی (ره) به عنوان اولین بندر پرخوردار از گاز طبیعی در سطح کشور به شبکه گاز سراسری کشور متصل می‌شود. بهرامی در ادامه افزود: این پروژه شامل یک ایستگاه اندازه‌گیری و دو ایستگاه تقلیل فشار گاز به ظرفیت مجموع ۵۰ هزار متر مکعب در ساعت است که به منظور تأمین گاز مصرفی اراضی شمالی موسوم به ۶۰۰ هکتاری و اراضی پشتیبانی (محدوده عملیاتی فعلی) به بهره‌برداری خواهد رسید. وی اظهار امیدواری کرد: این پروژه با اعتباری معادل ۹۶۰ میلیارد ریال اواخر سال ۱۳۹۹ راه و همزمان با ایام دهه فجر سال جاری به بهره‌برداری می‌رسد. معاون بهداشتی و عمران اداره کل بندار و دریانوردی استان خوزستان با اشاره به چالش‌های اجرایی پروژه خاطر نشان کرد: با اتخاذ تدابیر فنی و اجرایی متناسب و انجام پیگیری‌های لازم با دیگر دستگاه‌های اجرایی، عهده مش‌سکلات بر سر راه پیشرفت پروژه مرتفع شده است. گفتنی است با تکمیل و راه‌اندازی پروژه بادشده، منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره) به عنوان منطقه ویژه بندری پیشرو در تأمین گاز خواهد بود که می‌تواند نقش مؤثری در کاهش قیمت تمام شده محصولات تولیدی، ایجاد مزیت رقابتی در جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، افزایش ترافیک شناور و ایجاد جسیبندگی کالا ایفا نماید.



تولید میگو

گروه دریامحور – سالهای طولانی است که مردم ایران، با توجه به تأکید مقام معظم رهبری در سال ۸۸ در مورد لزوم توسعه سواحل مکران، منتظر تحولات اساسی و تغییر چهره این مناطق هستند ولی متأسفانه علی – رغم تلاش‌های انجام شده، شاهد تحولات گسترده و اساسی در طول ساحل نیستیم. ۱۳ سال از آن زمان می‌گذرد ولی بجز توسعه نقطه‌ای در چاپهار و تا حدود کمی در جاسک، شاهد توسعه فراگیر و همگن و تغییر چهره شهرها در این سواحل محروم نیستیم. علت اصلی و اساسی در این عقب افتادگی، درک نکردن تأثیرات شگرفت حوزه گردشگری است. یکی از ارزان ترین زمینه های ایجاد شغل نیز حوزه گردشگری است که متأسفانه تاکنون در توسعه مکران کمتر به آن توجه شده یا به طور جدی توجه نشده یا نگاه‌های غیرمردن و غیرمهندسی بر آن حاکم بوده است. فراموش نکنیم که کشور امارات و شهر دبی، از زمان شروع تغییرات، در بازه زمانی ۱۰ ساله دچار تغییرات بزرگی شد که تکیه آن بر حوزه گردشگری بود. در ذیل بخش دوم (پایانی) دست نوشته محمد مونسسان –(عضو گروه توسعه منطقه ای و دریامحور مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو هیات مدیره انجمن مهندسی دریایی ایران) را با هم می‌خوانیم:

در فرهنگ خانواده‌های امروزی در ایران، سفر، با تومبیل بسیار رایج تر از انواع دیگر سفر است. متأسفانه در نقشه آزادراهی فعلی کشور اولویت برای دسترسی به سواحل مکران دیده نمی‌شود و در نیمه شرقی کشور تقریباً هیچ آزادراهی وجود ندارد و حتی در برنامه های ۲۰ سال آینده وزارت راه و شهرسازی نیز هیچ آزادراهی در امتداد سواحل مکران وجود ندارد! یعنی اینکه دسترسی فعلی ساده ای به شرق و جنوب شرقی کشور همچنان خطرناک، غیرایمن، غیر راحت و طولانی بوده و خواهد بود. چگونه ممکن است دسترسی به این مناطق دشوار باشد ولی جمعیت به این سواحل سوق یابند؟ این از مملات است. به طور مثال راه ارتباطی فعلی بین جاسک تا مشهد (قطب جمعیتی شمال شرق کشور)

۴ هزار ساعت خدمات دریایی ایمن به شناورهای حامل مواد شیمیایی در بندر امام خمینی (ره)

سرپرست معاونت دریایی استان خوزستان گفت: بیش از ۴ هزار ساعت خدمات دریایی ایمن در قالب ۱۵۰۰ مورد عملیات به هشت بخش دریایی مجتمع بندری امام خمینی (ره) به کشتی‌های تانکر حامل مواد شیمیایی و گازی به صورت سالیانه ارائه می‌شود. به گزارش اقتصادسراسرآمد، سجاد سبزی‌وند سرپرست معاونت دریایی استان خوزستان اظهار کرد: هدایت، پهلودهی و ارائه خدمات دریایی به کشتی‌های تانکر مخصوص حمل مواد شیمیایی و گازی مرتد به اسکله‌های تاسیسات پتروشیمی همجوار توسط بخش عملیات دریایی مجتمع بندری امام خمینی (ره) نشان دهنده اهمیت و نقش مؤثر این مجتمع بزرگ بندری در توسعه اقتصاد دریایی و تجارت دریا محور کشور است. به گزارش سازمان بنادر و دریانوردی، وی افزود: علاوه بر نقش حیاتی مجتمع بندری امام خمینی (ره) در واردات و تأمین کالای اساسی کشور، قرارگیری در مجاورت بزرگ‌ترین منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی با بیش از ۴۰ در صد ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی کشور و تردد کشتی‌های حامل کالای خطرناک در آبراه دسترسی به این بندر، مبین موقعیت راهبردی و لزوم توجه ویژه به این مجتمع بندری در مسیر دستیابی به اهداف توسعه تجارت دریا محور است.

بررسی «اقتصادسراسرآمد» از وضعیت توسعه مکران در مقایسه با پروژه‌های همسایگان

تحول محال سواحل مکران بدون گردشگری!



ابریشم» (Silk City) را اجرا کند. این شهر در مجاورت شهر الفیصیه (Subiya) و کنار جزیره بویان به مساحت ۲۵۰ کیلومتر مربع، در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شهر قزوین واقع شده است. مدت زمان اجرای این پروژه، ۲۵ سال بوده و از سال ۲۰۱۵ کار طراحی آن توسط یک تیم خبره از طراحان و مهندسان چینی شروع شده است. چینی‌ها سرمایه‌گذار و بهره‌بردار اصلی این شهر هستند و تأمین مالی و بازگشت سرمایه آن نیز توسط خود چینی‌ها تضمین شده است. چین در نظر دارد شهر ابریشم کویت را به عنوان رقیب کویت دویی مطرح نماید. بادشاه کویت با اشراف به ضرورت نگاه مدرن مهندسی به گردشگری، در نظر دارد به پشتوانه این شهر، منبع مالی اصلی کشور خود را ظرف سه آینده از نفت به گردشگری تغییر دهد. این شهر در مقایسه با دویی بسیار بلندپروازانه تر، اصولی تر و جذابتر طراحی شده است. مثلاً این شهر دارای شش کیلومتر کانالهای آب مارپیچ و زیبا قابل قیافت است که تعداد زیادی هتل و کافه و اماکن تفریحی در طرفین این رودخانه مصنوعی ساخته خواهند شد. همچنین در مرکز این شهر یک برج بسیار بلند ساخته خواهد شد که بلندتر

نگاه مدرن مهندسی کویتی‌ها به سوی گردشگری مدرن

کشور کویت، در یک رقابت نتگانتگ با کشور امارات و شهر دبی، در صدد است با اجرای یک برنامه

بلندپروازانه مهندسی، ابر پروژه «شهر گردشگری

از برج خلیفه دویی است. این برج دارای ارتفاع حدود ۱۰۰۰ متر در ۲۳۴ طبقه بوده و ۷۰۰۰ نفر را در خود جای می‌دهد. شهر ابریشم در مجموع ۷۰۰ هزار نفر را در منازل، هتل‌ها و مراکز تفریحی جای خواهد داد. علاوه بر این برج (به عنوان معروفترین نماد شهری این شهر جدید)، چهار نماد شهری مهندسی و منحصریفر دیگر در نقاط دیگر این شهر به عنوان جاذبه گردشگری طراحی شده‌اند که نمادهای شهری معروف دویی را پشت سر خواهند گذاشت. این شهر دارای چهار بخش یا شهرک اصلی است که فاز به فاز افتتاح خواهند شد و یکی از جذابترین سوزه‌های سرمایه گذاری در آینده خواهد بود. بنظر می‌رسد این شهر از مقاصد اصلی گردشگری کشورهای ایران، عراق و عربستان خواهد شد. یکی از مزایای طبیعی این منطقه برای توسعه شهر ابریشم نسبت به دویی، مجاورت با جزیره بزرگ بویان است. وجود این جزیره باعث می‌شود کویت بر خلاف دویی نیازی به ساخت جزایر مصنوعی برای ایجاد مساحت مناسب زمین نداشته باشد. جزیره بویان بزرگ‌ترین مناسب کویت با مساحت ۸۱۳ کیلومتر مربع (طول ۴۰ و عرض ۲۴ کیلومتر) بوده و هم اکنون یک جزیره متروکه و تقریباً خالی از سکنه است. این جزیره تا تکمیل شهر ابریشم در سال ۲۰۴۰ به مرور ۲۰۰ هزار نفر را در خود جای خواهد داد.

دو عامل مفقود شده در توسعه گردشگری مکران
از عوامل فوق می‌توان بطور خلاصه دو عامل مهم مفقود در توسعه گردشگری مکران را به صورت زیر برشمرد: ۱- فقدان نمادهای شهری در قالب سازه‌های مهندسی فاخر، منحصریفر و مرتفع ساحلی به عنوان مرکز یک مجموعه گردشگری مدرن و روزآمد ۲- زیرساخت‌های حمل و نقلی برای دسترسی آسان و سریع به سمت سواحل مکران ۳- جمله آزادراه شمال به جنوب در نیمه شرقی کشور. حال سوال مهم این است که مسئولان توسعه مکران در ۱۳ سال گذشته کدام اقدامات زیرساختی را برای توسعه گردشگری در سواحل مکران انجام داده‌اند؟

برگزیده‌ها

یک مقام آمریکایی به واشنگتن پست می‌گوید آمریکامدعی مفقودشدن دوربین‌های شناورهای توقیفی خودشد



یک مقام آمریکایی در گفت و گو با دو رسانه آمریکایی در پی توقیف دو شناور تجسسی خود از سوی ایران مدعی شد که دوربین‌های این شناورها مفقود شده است. به گزارش اقتصادسراسرآمد، یک مقام آمریکایی که نامش بیان نشده است، در گفت و گو با روزنامه واشنگتن پست ادعا کرد دوربین‌های این شناورها در جریان توقیف مفقود شدند. یک مقام آمریکایی نیز که نامش افشا نشده است، در گفت و گو با روزنامه وال استریت ژورنال در این زمینه مدعی شد: مشخص نیست آیا دوربین‌ها هنگام توقیف ضبط شده‌اند یا اینکه هنگام بیرون کشیدن شناورها و رهاسازی مجدد آنها به درون آب فروخته شده‌اند. این روزنامه آمریکایی نوشت که به گفته مقام‌های آمریکایی، دوربین‌ها، رادارها و دیگر تجهیزات این شناورها به صورت تجاری در دسترس هستند و چون فناوری‌های طبقه بندی بین‌المللی راها به دوامجوشی به دوربین‌ها و بازرسی شناورها از نزدیک می‌تواند ایده بهتری از قابلیت‌های این شناورها باشد. ایالات متحده آمریکا روز جمعه به وقت محلی توقیف دو شناور تجسسی نیروی دریایی خود را تأیید کرد. نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که ایران دو شناور برای مدت کوتاهی شناور تجسسی نیروی دریایی این کشور را توقیف و سپس رها کرده است. تیموتی هاوکینز سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی مستقر در خاورمیانه روز جمعه در گفت و گو با خبرگزاری آسوشیتدپرس با تأیید این موضوع از ارائه توضیحات بیشتر خودداری کرد. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران جزئیات توقیف دو شناور تجسسی نیروی دریایی آمریکا را منتشر کرد. بر این اساس، ناوشکن جماران نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در حین اجرای مأموریت برقراری امنیت و ایمنی کشتیرانی در دریای سرخ و مقابله با دزدی دریایی و تروریسم دریایی با چندین شناور ویژه دامه‌برداری کوچک که در مسیر کشتیرانی بین‌المللی رها بود مواجه شده و با اقدام به موقع و به‌منظور جلوگیری از وقوع حادثه و احتمال تصادف دریایی از کنترل کتنده این نوع تجهیزات خواست به این نوع رفتار و حرکت خود را متوقف کند. این شناورها به ناگزیر پس از توقف و کنترل شناورهای موصوف و اطمینان از امنیت دریانوردی کشتی‌های فوق را رها کرد و از کنترل کتنده این نوع تجهیزات خواست به این نوع رفتار و حرکت خاتمه داده و مسیر حرکت را تغییر بدهند. لکن مجدداً مواجه با کشتی‌ها شد و ناگزیر فرماندهی برای جلوگیری از حوادث احتمالی تروریست نسبت به کنترل و توقیف شناورها اقدام کرده و مانع از بروز حوادث پیش‌بینی نشده شد.

سازمان حفاظت محیط زیست مطرح کرد حفظ و احیای تالاب‌ها با استفاده از ظرفیت بانوان



مدیرکل دفتر حفاظت و احیا تالاب‌ها، سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه زنان نمی‌ای پیکره هر جامعه‌ای هستند، گفت: جامعه‌ای که خواهران دست‌یابی به توسعه پایدار است باید برای بهره‌مندی از ظرفیت و پتانسیل زنان برنامه داشته باشد و سازمان در این زمینه برنامه‌ریزی کرده است. به گزارش اقتصادسراسرآمد، آرزو اشرفی زاده افزود: سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان پیشگام توسعه پایدار در کشور از سال‌ها پیش همواره تلاش کرده تا از روش‌های مختلف به ویژه از طریق ایجاد ارتباط مؤثر با جوامع بومی و محلی، ظرفیت زنان برای کمک به حفظ محیط زیست و توسعه پایدار را باالفع کند. مدیرکل دفتر حفاظت و احیا تالاب‌ها سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد: در همین راستا، معاونت محیط زیست دریایی و تالاب‌ها در قالب طرح حفاظت از تالاب‌های ایران اقدام به الگوسازی مشارکت مردم در احیای دریاچه ارومیه کرده است. اشرفی زاده خاطر نشان کرد: بخش قابل توجهی از این اقدامات که از سال ۱۳۹۲ آغاز شد، توجه به معیشت پایدار در مناطق روستایی و عشایری بود و اقدامات و تنوع‌بخشی به معیشت‌های سازگار با منابع تالابی در دو دسته مشاغل مرتبط با کشاورزی و مشاغل غیر کشاورزی تعریف شد. وی هدف از اجرای این پروژه را، ایجاد و توسعه معیشت‌های سازگار با منابع تالابی، کاهش فشار بر منابع طبیعی، استقرار برنامه کشاورزی پایدار در حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی شبکه‌های ذینفعان منطقه، مشارکت جوامع محلی و مدیریت پایدار کشاورزی اعلام کرد. اشرفی زاده با بیان اینکه آب و کشاورزی از مولفه‌های مؤثر بر شرایط تالاب‌ها است، گفت: مقرر شد با استفاده از ظرفیت‌های محلی به ویژه ظرفیت زنان ۵۴ روستا در چهار استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، فارس و خوزستان، اجرای برنامه‌هایی برای حفظ تالاب‌ها در دستور کار قرار گیرد. وی در خصوص نقش زنان در حفاظت از تالاب‌ها اظهار داشت: گاهی به دلیل عدم ایجاد ارتباط مؤثر میان بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایلوت مشارکتی در ۵۴ روستا، شاهد آن بودیم که افراد بومی و محلی به ویژه زنان، بیشترین همکاری در حفظ حوضه تالاب‌ها، ظرفیت‌سازی بدنه دولتی و جوامع بومی و محلی، آن‌ها منافع خود را در تقابل و تضاد با برنامه‌های تعریف شده ملی می‌دانند اما پس از اجرای پروژه‌های پایل